

# حضرت علی رضی الله عنه

## چهارمین جانشین پیامبر اکرم

(قسمت دوم)

محرران: سید ابوالحسن علی ندوی ر.ه  
ترجمه و اقتباس: عبدالقادر سراوانی

بشکن، قبر مرتفعی دیدی آنرا با زمین هموار کن.<sup>(۳)</sup>

### علی شایسته‌ترین فقیه و قاضی

از روایات متعدد ثابت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «أفضاكم علي»؛ شایسته‌ترین قاضی در میان شما علی است.

از علی ﷺ نقل شده که گفت: هنگامی که رسول خدا ﷺ مرا به یمن فرستاد ستم کم بود، گفتم یا رسول الله ﷺ من تجربه قضاوت و داوری ندارم اگر اختلافی پیش آمد چگونه فیصله و داوری کنم؟ آن حضرت ﷺ فرمود: «خداوند حرف حق را بر زیانت جاری می‌سازد و قلبت را ثابت و مطمئن می‌گرداند». از آن پس هیچگاه در مورد قضاوتی که انجام می‌دادم تردیدی به دلم خطور نمی‌کرد.<sup>(۴)</sup>

حضرت عمر ﷺ از مشکلی که برای حل آن، شخصی چون ابوالحسن علی وجود نداشته باشد به خداوند متعال پناه می‌جست؛ از وی نقل شده است که فرمود: «اگر علی نبود عمر به هلاکت می‌رسید».<sup>(۵)</sup>

و هر گاه موضوعی به نظرش مشکل می‌آمد و از مسائل پیچیده بود، می‌گفت: «این مسأله‌ای است که علی باید آنرا حل کند».<sup>(۶)</sup>

ابوعمر از عبدالله بن مسعود ﷺ نقل کرده است که در میان اهل مدینه، علی شایسته‌ترین فرد برای قضاوت

در ابتدا مناسب است گاهی گذرا به صفات و ویژگیهای حضرت علی در آینه اخبار و روایات داشته باشیم.

### جانشین رسول الله ﷺ

در نابود ساختن آثار جاهلی و بت پرستی

حکم از ابو محمد هذلی نقل می‌کند که حضرت علی ﷺ فرمود: یک روز رسول خدا ﷺ در تشییع جنازه‌ای شرکت نمود، در آنجا فرمود آیا در میان شما کسی هست که بتان و مجسمه‌هایی را که در شهر مدینه وجود دارد نابود کند، و مقبره‌ها را با زمین هموار سازد؟ از آن میان حضرت علی گفت: یا رسول الله ﷺ من حاضرم! فرمود: پس بشتاب! حضرت علی پس از انجام مأموریت، نزد رسول الله ﷺ بازگشت و گزارش کارش را ارایه کرد و گفت: یا رسول الله ﷺ هر بتی که دیدم منهدم ساختم و همه قبرهای مرتفع را با زمین هموار کردم و تمام مجسمه‌ها را نابود کردم. آنگاه رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس دوباره این بتان و مجسمه‌ها و قبور را مرمت و بازسازی کند، به احکامی که از جانب خدا بر من نازل شده کفر ورزیده است.<sup>(۱)</sup> جریر بن حبان ﷺ از پدرش نقل می‌کند که حضرت علی ﷺ به او گفت: ترا به انجام کاری مأموریت می‌دهم که رسول الله ﷺ مرا مأموریت داده بود، ایشان به من فرموده بودند که تمام قبرها را با زمین برابر و همه بتها را نابود کنم.<sup>(۲)</sup>

ابوالهتاج أسدی می‌گوید: علی ﷺ به من گفت: ای ابوالهتاج ترا به کاری امر می‌کنم که رسول الله ﷺ به من امر فرموده بود، و آن اینکه هر جا مجسمه‌ای دیدی آنرا

۱- مستند امام احمد بن حنبل: ۱/۸۷، (مستند علی بن ابی طالب).

۲- مستند احمد بن حنبل (مستند علی بن ابیطالب).

۳- همان منبع.

۴- مستند امام احمد بن حنبل: ۱/۸۳.

۵- این روایت را ابوعمر از سعید بن مسیب نقل کرده است؛ ازالة الخفا عن خلافة الخلفاء، اثر امام شاه ولی الله دهلوی: ۲/۲۶۸.

۶- العبريات الاسلامية، ص: ۹۶۸.



است.

یکی از نمونه‌های قضاوت دقیق و حکیمانه سیدنا علی علیه السلام موضوعی است که امام احمد بن حنبل با سند خود در کتاب «مُسند علی» از حضرت علی روایت کرده است. هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله او را به نمایندگی خود به یمن فرستاد، با ماجرای شگفت‌آوری مواجه شد. در یکی از مناطق مردم برای شکار شیر، گودال و کمین‌گاهی حفر کرده بودند، روزی عده‌ای از مردم کنار همان گودال با هم مشاجره کرده و یکدیگر را به عقب می‌رانند؛ یکی از آنان که نزدیک بود در گودال بیفتد خود را به دیگری که در کنار او بود گرفت او نیز به شخص سومی خود را گرفت و او خود را به فرد چهارمی محکم گرفت، در نتیجه هر چهار نفر در گودال سقوط کردند و شیر آنها را مجروح کرد، یکی از آنها با کارد یا نیزه‌ای که همراه داشت شیر را از پا درآورد، اما هر چهار نفر بر اثر شدت جراحات جان باختند.

در مورد این قضیه بین مردم اختلاف و چند دستگی رخ داد و اولیای مقتولان خود را برای نبرد خونین آماده ساختند؛ حضرت علی برای حل اختلاف تشریف آورد و گفت آیا در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله اینگونه دست و گریبان شده‌اید؟! من بین شما فیصله می‌کنم، اگر به قضاوت من راضی نشدید، جنگ و محاصره را ترک کنید و نزد رسول الله صلی الله علیه و آله بروید و هر آنچه ایشان فیصله کردند آنرا بپذیرید آنگاه هر کسی سربچی کند حقیق ساقط خواهد شد. سپس گفت: خویشاوندان کسانی که این گودال را حفر کرده‌اند، دیه چهار نفر را بدهند به این ترتیب که به نفر اول یک چهارم دیه، به نفر دوم یک سوم و به سومی نصف دیه و به چهارمی دیه کامل داده شود. اما مردم به این حکم راضی نشدند، و به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله رسیدند؛ آنحضرت نزدیک مقام ابراهیم در جوار کعبه تشریف داشتند. ماجرا را برای رسول الله صلی الله علیه و آله تعریف کردند، پیامبر فرمود: اکنون بین شما فیصله خواهم کرد، در همین اثنا شخصی گفت: علی بین ما فیصله کرده است؛

آنحضرت پس از آنکه شرح داوری علی علیه السلام را شنید همان را تصویب فرمود.<sup>(۱)</sup>

### عالم به کتاب و سنت

ابوعمر به نقل از ابوظفیل می‌گوید: علی علیه السلام را دیدم که در خطبه خود می‌گفت: از کتاب خدا (در مورد آیات و احکام آن) هر چه می‌خواهید از من بپرسید، بخدا سوگند هیچ آیه‌ای در قرآن وجود ندارد مگر اینکه من می‌دانم که به شب نازل شده یا روز، در دشت نازل شده یا در کوه.<sup>(۲)</sup>

شریح بن هانی می‌گوید: از عائشه رضی الله عنها در مورد مسح موزه سؤال کردم، گفت این مسأله را از علی پرس او در این زمینه از من بیشتر علم دارد زیرا او در سفر همراه رسول الله صلی الله علیه و آله بوده است. چون خدمت علی علیه السلام رسیدم، گفت: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است که مسح موزه برای مسافر سه شبانه‌روز و برای مقیم یک شبانه‌روز است.<sup>(۳)</sup> از سیدنا علی علیه السلام ۵۸۶ حدیث روایت شده است.<sup>(۴)</sup>

### علی کانون محبت و مهربانی

سیدنا علی علیه السلام به رغم شجاعت و دلیری کم نظیر و آگاهی از فنون رزمی، بسیار نرم دل و مهربان بود. وی نرم‌خو، خوش اخلاق و دارای عواطف و احساسات رقیقی بود. این ویژگیهای انسانی زمانی بیشتر تجلی می‌کنند که انسان در برابر قاتل خود قرار گرفته باشد، ایشان نسبت به قاتل خود آبن ملجم به فرزندش حسن علیه السلام سفارش کرد که غیر از ابن ملجم دیگری را به تهمت قتل یا شرکت در آن نکشند و فقط با یک ضربه بدون شکنجه از او قصاص بگیرند.<sup>(۵)</sup>

حضرت علی علیه السلام وقتی در مقابل جسد حضرت

۱- المسند: ۷۷/۱، برای تفصیل بیشتر به کتاب «اخبار القضاة» اثر وکیع محمد بن خلف بن حیان (م ۳۰۶ هـ) چاپ عالم الکتب بیروت، ص: ۸۴-۹۷ مراجعه کنید.

۲- ازالة الخفاء: ۲/۲۶۸، ۳- المسند: ۹۶/۱.

۴- تاریخ الخلفاء سیوطی، ص: ۱۶۷ برای تفصیل بیشتر رجوع شود به کتاب «موسوعة فقه علی بن ابی طالب»، ص: ۸۴-۹۷.

۵- الجوهرة فی نسب النبی و اصحابه العشرة: ۳/۳۳۸.

■ شریح بن هانی می‌گوید: از عائشه رضی الله عنها در مورد مسح موزه سؤال کردم، گفت این مسأله را از علی پرس او در این زمینه از من بیشتر علم دارد زیرا او در سفر همراه رسول الله صلی الله علیه و آله بوده است.



(کوفه) زبان عربی را غلط تلفظ می‌کنند بنابراین می‌خواهم نوشته‌ای درباره اصول و قواعد زبان عرب تهیه کنم. گفتم: اگر چنین کاری بکنی ما را زنده گردانده‌ای و زبان عرب در میان ما باقی خواهد ماند. بعد از سه روز که به خدمت ایشان رسیدم نوشته‌ای به من داد که قواعد ابتدایی علم نحو را در آن نوشته بود. (۵)

استاد عقاد می‌نویسد:

می‌توانیم بگوییم سیدنا علی در ترتیب علم نحو نیز بیشترین سهم را دارد زیرا به اثبات رسیده است که ابوالاسود دؤلی به حضرت علی ﷺ شکایت کرد که مردم [در مناطق تازه فتح شده] زبان عربی را صحیح تلفظ نمی‌کنند و غلطهایی بر سر زبانهاست. حضرت علی ﷺ در جوابش فرمود: هر چه می‌گویم بنویس! سپس اصول علم نحو عربی را به او املا کرد. و بعد به ابوالاسود گفت: به همین نحو که گفتم عمل کن. به این جهت این علم به اصطلاح «نحو» معروف شد. (۶)

عقاد می‌فرماید:

اولین رهنمودها در زمینه علم توحید، قضا و فقه اسلامی و علم نحو عربی و رسم و فن کتابت آن از جانب حضرت علی ﷺ بوده است. (۷)

قبلاً بیان شد که تعیین هجرت رسول اکرم ﷺ برای سرآغاز تقویم اسلامی، که به تصویب حضرت عمر ﷺ رسید، به پیشنهاد حضرت علی ﷺ بود. (۸) بنابراین تا مسلمانی روی زمین وجود دارد همین تقویم مورد استفاده قرار خواهد گرفت. انتخاب هجرت نبوی برای سرآغاز تقویم اسلامی مبنی بر حکمتها و مصلحت‌های اسلامی و دعوت‌گراانه و ارج نهادن به ارزشهای انسانی بوده است و این عنوان اذهان دانشمندان و متفکران منصف را متوجه عظمت اسلام می‌کند. در عین حال فال نیک و مزده خوشی نیز هست، زیرا

طلحه ایستاد، سخت‌گیرست و در حالی که خاک را از صورت او پاک می‌کرد فرمود: ای ابا محمد بسیار بر من دشوار است که ترا زیر ستاره‌های آسمان آغشته به خاک و خون بینم؛ سپس فرمود: ای کاش خداوند بیست سال پیش از این روز قبض روح می‌کرد. (۱)

ایشان گذشته از اینکه با بزرگسالان رفتاری دوستانه داشت در شفقت به کودکان نیز شهره بود. با کودکان مهربان بود و آنان را دوست می‌داشت و با زبان کودکی با آنها سخن می‌گفت؛ ایشان می‌فرمود: پدر بر فرزندان و همچنین فرزندان بر پدر حقوقی دارند، حق پدر بر فرزند این است که در هر چیز از او اطاعت کند، جز در معصیت خداوند؛ و حق فرزند بر پدر این است که نام خوبی برایش انتخاب کند و او را به خوبی تربیت نماید و قرآن را به او بیاموزد. (۲)

ابوالقاسم بغوی با سندی که به جده‌اش منتهی می‌گردد نقل می‌کند که او گفته است: روزی علی را دیدم که مقداری خرما خرید و آنها را در پارچه‌ای گذاشت تا به خانه برده، شخصی گفت: ای امیرالمؤمنین اجازه دهید من این خرماها را حمل کنم، فرمود: پدر و سرپرست خانواده به حمل آنها سزاوارتر است. (۳)

شخصی به خدمت او عرض کرد یا امیرالمؤمنین من نیازی دارم، می‌خواهم آنها را با شما در میان بگذارم، گفت حاجت خود را بر روی زمین بنویس، زیرا دوست ندارم آثار ذلت سوال را بر چهره‌ات بینم او حاجت خود را نوشت و علی بیش از طلب او حاجتش را برآورد. (۴)

### علی آغازگر بسیاری از علوم و فنون

علی ﷺ آغازگر بسیاری از علوم و آثار جاودانی است که تا زبان عرب و دستور زبان آن باقی است فراموش نخواهند شد. در امالی ابوالقاسم زجاجی از ابوالاسود دؤلی نقل شده که او گفت: علی را دیدم که سر در گریبان تفکر فرو برده و می‌اندیشد، گفتم: یا امیرالمؤمنین در مورد چه موضوعی فکر می‌کنی؟ فرمود: از این نگرانم که مردم در شهر شما

■ اولین رهنمودها در زمینه علم توحید، قضا و فقه اسلامی و علم نحو عربی و رسم و فن کتابت آن از جانب حضرت علی ﷺ بوده است.

۱- العبریات، ص: ۵۹۵. ۲- همان، ص: ۹۸۲.

۳- البداية و النهایة: ۵/۸. ۴- همان منبع: ۹/۸.

۵- تاریخ الخلفاء، ص: ۱۸۱.

۶- العبریات، ص: ۹۶۹. ۷- همان منبع، ص: ۹۶۷.

۸- البداية و النهایة: ۳۳۱/۷-۳۳۲.

هجرت نقطه عطف و سرآغاز عصر جدیدی در تاریخ بشریت و چراغی فرا راه انسانهای آزاده بوده است.

### آشنایی کامل با طبیعت نبوی

سیدنا علیؑ از آنجا که پیوند نسبی با رسول الله ﷺ داشت و یک عمر از نزدیک شاهد زندگی روزانه آن حضرت ﷺ بود، کاملاً با طبیعت نبوی و صفات والای اخلاقی ایشان آشنا بود و ارتباط عمیقی با آن حضرت ﷺ داشت. مزاج و تمایلات روحی ایشان را به خوبی می شناخت و در بیان کردن این صفات مهارت خاصی داشت. وی اخلاق و زندگی رسول الله ﷺ را با سخنان شیوا و بلیغ خود در نهایت زیبایی بیان کرده است.<sup>(۱)</sup> در اینجا به فرازی از گفتار وی در وصف پیامبر اکتفا می کنیم؛ او می گوید:

رسول الله ﷺ از همگان با حوصله تر و دارای سعۀ صدر بود؛ از همه راستگوتر و نرمخوتر و خوش مجلس تر بود؛ هر کس برای نخستین بار ایشان را می دید هیبتش وجود او را فرا می گرفت، و هر کس با ایشان همنشین می شد ایشان را دوست می داشت. یکی از مداحان وی می گوید: هرگز پیش از او و پس از او همانند ایشان را ندیده ام.<sup>(۲)</sup>

### زوایای ناشناخته سیره سیدنا علیؑ

عموماً مؤرخان و محققانی که مطالعاتی پیرامون سیره و عصر سیدنا علی دارند، معتقدند که توجه ایشان نه تنها به جنگ با عراقیان و شامیان معطوف بود، بلکه وی فقط درگیر جنگ با اهل قبله بود؛ و ارتباطی با مناطقی که خلفای پیشین فتح کرده بودند نداشت و توجهی به انتظام امور و استحکام نظم و عدالت در آن مناطق و سرکوبی مرتدین و ریشه کنی فساد و فتنه مبذول نداشت. و در سیره او سراغی از گسترش قلمرو حکومت اسلامی و افزودن منطقه جدیدی در حوزه اسلام یافته نمی شود؟

بدون شک عموم مؤرخان به تفصیل و منصفانه در این زمینه سخن نگفته اند و این بعد زندگی وی تا حد زیادی ناشناخته مانده است و وقایع جنگهای

داخلی عراق و شام چنان بر افکار مستولی شده که این حقایق زیر پرده آنها مخفی مانده است. در اینجا مطالبی را که در کتب تاریخ به طور پراکنده بیان شده و در تراجم و شرح احوال وی جایگاه ویژه ای به آن داده نشده است، می آوریم؛ از جمله وادار نمودن اهل فارس و کرمان به ادای مالیات و پایان دادن به فتنه منع خراج و شورش در برابر حضرت علیؑ. ابن جریر طبری، ضمن بیان حوادث سال سی و نه هجری در کتاب «تاریخ الامم و الملوک» می نویسد:

عمر به نقل از علی بن کثیر می گوید: وقتی ابن حنظل کشته شد و مردم درباره خلافت حضرت علیؑ دچار اختلاف و چند دستگی شدند، اهل فارس و کرمان به طمع افتادند که اگر خلافت را نپذیرند از پرداخت مالیات آزاد می شوند، لذا اهل هر شهر و ناحیه، بر عامل خود شوریدند و آنان را از میان خود اخراج و طرد کردند.

علی بن کثیر می گوید: وقتی مردم فارس از دادن خراج ابا و ورزیدند علی درباره کسی که سرکوبی اهل فارس و استانداری آن را به عهده گیرد با مردم مشورت کرد، جاریه ابن قدامه گفت: ای امیرمؤمنان! می خواهی مردی قاطع، سیاست مدار و با کفایت را به تو معرفی کنم؟ گفت چه کسی است؟ ابن قدامه پاسخ داد: «زیاد»! حضرت فرمود: آری، این کار از او ساخته است.

لذا حضرت علی «زیاد» را با سپاهی مرکب از چهار هزار نفر به فارس و کرمان گسیل داشت و ولایت آنجا را به او سپرد. زیاد به منطقه رفت و مخالفین را سرکوب نمود.

عمر از ابوالحسن و او از علی بن مجاهد به نقل از شعبی می گوید: چون اهل جبال پیمان شکنی کرده و خراج دهندگان از پرداخت خراج سر باز زدند و سهل بن حنیف را که از طرف حضرت علیؑ استاندار فارس مقرر شده بود، اخراج کردند،

■ سیدنا  
علیؑ از آنجا که  
پیوند نسبی با  
رسول الله ﷺ  
داشت و یک  
عمر از نزدیک  
شاهد زندگی  
روزانه  
آن حضرت ﷺ  
بود، کاملاً با  
طبیعت نبوی و  
صفات والای  
اخلاقی ایشان  
آشنا بود و ارتباط  
عمیقی با  
آن حضرت ﷺ  
داشت.

۱- ر.ک به: شمائل النبی اثر ترمذی یا سیره نبوی از همین

مؤلف، ص: ۴۲۰-۴۲۳.

۲- این گفته از حضرت ابوهریرهؓ است. (مترجم)



حضرت علی علیه السلام زیاد را با سپاه بزرگی به فارس گسیل داشت، او فارس را تحت سیطره خود درآورد و آنان به پرداخت خراج تن دادند.<sup>(۱)</sup>

نیز در زمان خلافت حضرت علی علیه السلام گروهی از نظامیان به سرزمین «سند» رفته و قسمتی را که قبلاً تحت تصرف حکومت اسلامی در نیامده بود، فتح کردند. بلاذری در کتاب «فتوح البلدان» می نویسد: در اواخر سال ۳۸ و ابتدای سال ۳۹ هـ حارث بن مژبه عبدی به فرمان حضرت علی با یک گردان به سوی یکی از مرزها حرکت کرد او در این جنگ پیروز شد و غنایمی بدست آورد؛ در یک روز از غنایم آنجا یکهزار غلام تقسیم شد. سپس در سال ۴۲ هـ او با اغلب سپاهیان در منطقه قیقان به شهادت رسیدند، قیقان از مناطق سند و در نوار مرزی خراسان واقع است.<sup>(۲)</sup>

همچنین، حضرت علی علیه السلام با گروهی از مسیحیان که بعد از مسلمان شدن از اسلام برگشتند جنگید و آنها را سرکوب ساخت. عمار بن ابی معاویه دهنی به نقل از ابوطفیل می گوید، یک گروه که اصلاً مسیحی بودند پس از مسلمان شدن مرتد شدند، حضرت علی علیه السلام معقل بن قیس تیمی را به سوی آنان فرستاد وی با آنان جنگید و آنها را دستگیر نمود.<sup>(۳)</sup>

سبب کثرت احادیث درباره فضیلت علی علیه السلام احادیث زیادی در مورد فضیلت سیدنا علی علیه السلام وارد شده که شاید در مورد هیچ صحابی یا شخصیت بزرگ زمان پیامبر این مقدار حدیث وارد نشده است. علت آن واضح و آشکار و مطابق با مقتضای طبیعت است. زیرا از یک سو، بنابر تقدیر الهی - قبل از خلافت و بعد از آن نیز - ایشان مورد اختلاف، تنازع و هدف نقد و ملامت قرار گرفته بود و از سوی دیگر دارای امتیازها و شایستگی هایی بود که طبعاً در هر فردی که این ویژگیها وجود داشته باشد مورد اختلاف و افراط و تفریط قرار می گیرد. این عوامل دست در دست هم داده و زبان پیامبر را به بیان فضایل و دفاع از وی جاری ساخت. بخش بزرگی از این احادیث در کتب صحاح آمده، و

بعضی از محدثین در این باره کتب مستقلی تألیف کرده اند. شاید متصفانه ترین و معتبرترین کتاب در این باره کتاب «الخصائص فی مناقب علی بن ابی طالب» منسوب به امام ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب نسائی (متوفی ۳۰۳ هـ) باشد، که مؤلف یکی از کتب ششگانه معتبر حدیث در نزد اهل سنت است. انگیزه تألیف این کتاب این بود که ایشان زمانی که در دمشق اقامت داشت مشاهده کردند که اغلب مردم از فضایل علی علیه السلام بی اطلاع و عده ای در مورد وی دچار سوء تفاهم شده اند و زبان به طعن ایشان می گشایند وقتی این کتاب را تألیف کرد از سوی مخالفان افراطی امیرالمؤمنین مورد تهدید و نکوهش قرار گرفت، اما اینکار او را از حقگویی باز نداشت.<sup>(۴)</sup>

علامه ابن حجر عسقلانی، در کتاب گرانسنگ خود «فتح الباری شرح صحیح بخاری» در مورد اسباب کثرت احادیث درباره فضایل حضرت علی، به تفصیل سخن گفته و در پایان می گوید: مردم در حق علی به سه دسته تقسیم شدند: (۱) اهل سنت (۲) بدعتی های خوارج (۳) کسانی که با او جنگیدند اعم از بنی امیه و دیگران. در این میان اهل سنت وظیفه خود دانستند که فضایل او را در سطح گسترده ای نشر کنند.<sup>(۵)</sup> و از آنجا که تعداد مخالفان زیاد بود طبعاً دوستان و یاران وی با آب و تاب بیشتری به نشر اینگونه روایات پرداختند، و الا در واقع هر یک از خلفای چهارگانه فضایی دارند که اگر در ترازوی عدل گذاشته شوند صحت گفتار اهل سنت

■ مردم در حق علی به سه دسته تقسیم شدند: (۱) اهل سنت (۲) بدعتی های خوارج (۳) کسانی که با او جنگیدند اعم از بنی امیه و دیگران. در این میان اهل سنت وظیفه خود دانستند که فضایل او را در سطح گسترده ای نشر کنند.

۱- تاریخ طبری، حوادث سال: ۳۹ هـ ج: ۶، ص: ۷۹.  
 ۲- فتوح البلدان، بلاذری، ص: ۴۳۸، چاپ قاهره، ۱۳۲۹، قیقان آخرین ولایت خراسان آن زمان بود که در حاشیه سند قرار داشت، رجوع شود به مرصداطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع، اثر صفی الدین بغدادی: ۱۱۴۰/۳، چاپ بیروت، ۱۹۵۵ م.  
 ۳- برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به معانی الآثار طحاوی: ۱۰۲/۲، کتاب السیر باب ما یكون الرجل به مسلماً.  
 ۴- رجوع کنید به تذکره الحفاظ، ذهبی: ۶۹۹/۲.  
 ۵- اهل سنت احادیثی را که مشتمل بر فضایل حضرت علی علیه السلام است در پاسخ و رد خوارج و نواصب که بر حضرت امیر جسارت نموده و چیزهای ناروایی به او نسبت می دادند استخراج و جمع آوری نموده اند و دیگران از همین کتابها نقل کرده اند. (ر.ک مختصر تحفه اثناء عشریه، ص: ۱۳۸، مترجم)

و جماعت ثابت خواهد شد. (۱)

فرزندان علی ﷺ

فرزندان حضرت علی از بطن فاطمه زهراء عبارتند از: حسن، حسین و زینب کبری و ام کلثوم که به ازدواج عمر بن خطاب ﷺ درآمد.

فرزندان وی از همسران دیگر که بعد از وفات فاطمه با آنها ازدواج کرد به شرح زیرند:

از بطن ام البنین بنت حزام: عباس، جعفر، عبدالله و عثمان بدنیا آمدند که در کربلا همراه برادرشان حسین ﷺ به شهادت رسیدند. از بطن لیلی بنت مسعود: عیدالله و ابوبکر متولد شدند که هشام کلبی می گوید آنها نیز در کربلا شهید شدند. از صهباء بنت ربیعہ (ام ولد): یک پسر به نام عمر و یک دختر به نام رقیه. از امامه بنت ابی العاص: یک فرزند بنام محمد اوسط؛ از خوله بنت جعفر: یک فرزند بنام محمد اکبر؛ از ام سعید بنت عروه: سه دختر بنامهای ام الحسن، رملة الکبری و ام کلثوم متولد شدند، و از اسماء بنت عمیس: یحیی و عون بدنیا آمدند. (۲)

محمد اکبر که به ابن حنفیه مشهور است یکی از بزرگان و سران مسلمین بود. او مردی شجاع و نیرومند و فصیح و عالم به کتاب و سنت بود. حضرات ابوبکر و عمر رضی الله عنهما را بر سایرین برتری می داد و بر عثمان ثنا می گفت. وی در سال ۸۱ در طائف در سن شصت و پنج سالگی درگذشت. (۳)

ابن خلکان می گوید:

محمد بسیار پرهیزگار، دانشمند و قوی بود. در جنگ جمل پرچمدار پدرش بود. دو سال قبل از خلافت عمر ﷺ بدنیا آمد و در اول محرم سال ۸۱ هجری دیده از جهان فرو بست. اقوال دیگری نیز در مورد تاریخ وفات او وجود دارد، وی در قبرستان بقیع مدفون شد. (۴)

از اولاد او سلما، مریبان و مصلحان بزرگی پرورش یافت که کتب طبقات و زندگینامه ها، شرح حال آنها را ذکر کرده اند. این خاندان در بسیاری از شهرهای هند پراکنده شدند که به نام علویین معروفند.

ابن جریر می گوید: حضرت علی مجموعاً چهارده پسر و هفده دختر داشت. واقدی می گوید نسل وی از میان پسران فقط از پنج فرزند ادامه یافت که عبارتند از حسن و حسین، محمد بن حنفیه، عباس و عمر.

حکمت و بلاغت علی ﷺ

قبل از اینکه به ذکر مثالهایی از حکمت و ادبیات قوی و اقوال منقول از سیدنا علی ﷺ که در ادبیات زیانهای دیگر یافتن نظایر آن مشکل است پردازیم، پاراگرافی از کتاب «تاریخ ادبیات عرب» اثر استاد احمد حسن زیات را می آوریم، او می نویسد: بعد از رسول الله ﷺ کسی را سراغ نداریم که از علی سخنورتر و فصیح تر باشد. حکیمی بود که حکمت از سخنانش می تراوید، خطیبی بود که دریای بلاغت بر زبانش جاری بود، قدرتی فوق العاده بر سخنوری و مجادله داشت. همه اتفاق نظر دارند که علی ﷺ امام سخنوران و ادیبان بود. (۵)

در اینجا سخن استاد عقاد را نیز می افزاییم که می گوید:

سبک کلمات جامعی که از حضرت علی ﷺ روایت شده است ممتاز است، مثلها و تعابیر زیبا به گونه ای است که انسان حیران می ماند که کدامیک از مزایای آن برتر و استوارتر است! راستی معنی، بلاغت در اداء، یا زیبایی فنون ادبی (۶).

بارزترین ویژگی این حکمتها و سفارشها و ضرب المثلها این است که به وضوح بر فکر سالم و نظر درست و بررسی کامل زندگی و شناخت دقیق از سرشت و طبیعت انسانها دلالت دارند، گویا چکیده مطالعات و تجربه های علمی طولانی و خلاصه تحقیقات در مورد طبیعت و زندگی بشر هستند.

چنانکه می دانید، نهج البلاغه مجموعه خطبه ها،

۱- فتح الباری، باب مناقب علی ابن ابی طالب: ۷۱/۷، مکتبه سلفیه، قاهره

۲- ابن اثیر و ابوالفداء

۳- الجوهره فی نسب النبی و اصحابه العشرة: ۲/۲۲۹.

۴- وفیات الاعیان: ۳/۳۳۲-۳۳۱.

۵- تاریخ الادب العربی، ص: ۱۷۴.

۶- العبقریات الاسلامیه، ص: ۹۷۳-۹۷۴.

بعد از

رسول الله ﷺ

کسی را سراغ

نداریم که از علی

سخنورتر و

فصیح تر باشد.

حکیمی بود که

حکمت از

سخنانش

می تراوید،

خطیبی بود که

دریای بلاغت بر

زبانش جاری

بود، قدرتی

فوق العاده بر

سخنوری و

مجادله داشت.



۲- «كَلَّمُوا النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ أَتَجِبُونَ أَنْ يُكْذَبَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟» یا مردم مطابق سطح فکرشان سخن بگویند، آیا می‌خواهید خدا و رسولش تکذیب شوند.

۳- «إِحْذَرِ صَوْلَةَ الْكَرِيمِ إِذَا جَاعَ وَ صَوْلَةَ اللَّئِيمِ إِذَا شَبِعَ»؛ آدم شریف زمانی کم حوصله می‌شود که گرسنه باشد، اما آدم پست فطرت زمانی کنترلش را از دست می‌دهد که سیر شود، پس از این دو شخص در این مواقع دوری کن.

۴- «اجموا هذه القلوب و التمسوا لها طرف الحكمة فانها تملُّ كما تملُّ الأبدان»؛ دلها را آرامش بخشید و برای آنها حکمتها و دانشهای تازه و جالب انتخاب کنید زیرا دلها نیز مانند بدنها خسته می‌شوند.

۵- «النفس مؤثرة للهوى، أخذة بالهوينى، جامحة إلى اللهو، أمارة بالشوء مستوطنة للفجور، طالبة للراحة، نافرة عن العمل، فان أكرهتها أنضيتها وإن أهملتها أرديتها»؛ نفس دنبال خواهشات و راههای آسان است. لهو و تفریح را دوست دارد، به بدی امر می‌کند و فجور را در خود جای می‌دهد. راحت طلب هست و از زیر بار مسئولیت فرار می‌کند. اگر او را مجبور کنی لاغر و ضعیف می‌شود و اگر آزادش بگذاری هلاک می‌شود.

۶- «ألا لا يرجون أحدكم إلا ربه و لا يخافن إلا ذنبه و لا يستحى أحدكم إذا لم يعلم أن يتعلم و إذا سئل عثا لا يعلم أن يقول: لا اعلم»؛ امید شما فقط به پروردگارتان باشد، و فقط از گناهان خویش بترسید، هرگاه چیزی را نمی‌دانید از آموختنش شرم نکنید و اگر مطلبی را از شما پرسیدند که نمی‌دانید از گفتن «نمی‌دانم» خجالت نکشید.

۷- «الفقر يُخْرِشُ الْقَطِينِ عَنْ حِجَّتِهِ وَ الْمَقْلُ غَرِيبٌ فِي بِلَدِهِ»؛ فقر زیرک را از بیان دلیل خود گنگ و لال می‌کند و تنگدست در شهر خود غریب است.

۸- «العجز أفة و الصبر شجاعة و الزهد ثروة و الورع جنة»؛ واماندگی و عجز بلاست صبر

نامه‌ها و سخنان کوتاه امیرالمؤمنین است که شریف رضی (۳۵۹-۴۰۴ هـ) آنها را گردآورده است. استاد حسن زیات که یکی از ادیبان برجسته عرب است می‌گوید:

... این کتاب محتوی (اصطلاحات فلسفی) فلسفه اخلاق و جامعه‌شناسی و تکلف و تصنع در اوصاف اشیاء و فنون جدیدی است که با طبیعت آن روزگار همخوانی ندارد؛ ظاهراً شریف رضی همه آنچه را به حضرت علی علیه السلام منسوب بوده گردآوری نموده که برخی صحیح و قسمتی مشکوک هستند.<sup>(۱)</sup>

اما هر محقق با بصیرت که با اسلوب و زبان آن عصر آشنایی کامل داشته باشد و از طرف دیگر بداند که خداوند چه استعدادهاى استثنايى به حضرت علی علیه السلام عنایت کرده و نیز علم داشته باشد که علی علیه السلام در مورد مردم‌شناسی و شناخت طبایع بشری چه تجربه‌هایی داشته و با سرد و گرم روزگار آشنا بوده است؛ این چنین شخصی می‌تواند گفتار حضرت علی را از گفتار دیگران تشخیص دهد و تمیز دهد که چه کلامی در خور شأن علی است و چه سخنی را دیگران به او منسوب کرده‌اند. در این کتاب به فرازهایی از گفته‌های او استشهد جسته‌ایم، و در کتب قدیمی ادبیات، مانند «الکامل» میرد، «العقد الفريد» ابن عبد ربه و «البيان والتبيين» جاحظ قسمت زیادی از سخنان وی مذکور است.

برای کتاب «نهج البلاغه» بیش از پنجاه شرح نوشته شده است. امام بیهقی و امام فخرالدین رازی از جمله شارحان نهج البلاغه هستند. شرح عزالدین بن ابی‌الحدید مدائنی مفصل‌ترین شرح نهج البلاغه است که انتشارات دارالفکر بیروت آن را در بیست جلد به چاپ رسانده است؛ شیخ محمد عبده نیز از شارحان معاصر نهج البلاغه است.

در اینجا فقط بیست جمله از دریای سخنان حکیمانه حضرت علی علیه السلام تقدیم خوانندگان گرامی می‌گردد:

۱- «قيمة كل امرئ ما يحسنه»؛ ارزش هر فرد به تخصص و هنر اوست.

■ نهج البلاغه  
مجموعه  
خطبه‌ها، نامه‌ها و  
سخنان کوتاه  
امیرالمؤمنین  
است که شریف  
رضی (۳۵۹-۴۰۴ هـ)  
آنها را  
گردآورده است.

■ ظاهراً  
شریف رضی  
همه آنچه را به  
حضرت علی علیه السلام  
منسوب بوده  
گردآوری نموده  
که برخی صحیح  
و قسمتی  
مشکوک هستند.

۱- تاریخ الادب العربی، ص: ۲۳۰، قاهره. برخی از دانشمندان شیعه نیز همین عقیده را دارند به عنوان مثال دکتر عبدالحسین زرین‌کوب می‌نویسد: «در سخنانی که به علی علیه السلام منسوب است چیزها هست که به احتمال قوی از او نیست»، بامداد اسلام، ص: ۱۰۹ چاپ ششم ۱۳۶۹ تهران، (مترجم).



■ قدرت بیان و  
بلاغت عربی  
حضرت علیؑ  
به حدی بود که  
تنها به زمان  
خودش محدود  
نمی‌گردد بلکه در  
تاریخ دوره‌های  
مختلف ادبیات  
عرب و  
سرمایه‌های  
جهانی ادبیات  
جایگاه  
خاصی دارد.

### شعر علیؑ

دیوان شعر سیدنا علیؑ بسیار معروف است، برخی به اشعار آن استشهاد می‌جویند. اما منتقدان، همواره در مورد صحت بیشتر بخشهای آن ابراز شک کرده‌اند، زیرا بعضی از اشعار آن از مقام علمی و ادبی علیؑ بسیار فروتر است.

### اسلوب منحصر به فرد طنز و نکوهش

در اینجا نمونه‌هایی منحصر به فرد از روش طنز و نکوهش و گلایه را می‌آوریم که سزاوار است در بلندترین قله‌های جهانی این فن قرار داده شوند. وضعیت خاص اهل عراق و شیعیان علیؑ که ظاهراً سنگ محبت و حمایت وی را بر سینه می‌زدند، در وجود و تشکیل این اسلوب ادبی سهم بسزایی داشته است. قدرت بیان و بلاغت عربی حضرت علیؑ به حدی بود که تنها به زمان خودش محدود نمی‌گردد بلکه در تاریخ دوره‌های مختلف ادبیات عرب و سرمایه‌های جهانی ادبیات جایگاه خاصی دارد.

ایشان در نکوهش یاران و لشکریان خود می‌گویند:

«تا کی با شما مدارا کنم در حالی که همچون شتر جوانی هستید که کوهانش از داخل زخم دارد اما ظاهراً مشکلی ندارد و نمی‌تواند سواری دهد؛ و یا لباس پاره‌ای که چون یک طرفش دوخته می‌شود طرف دیگرش پاره می‌شود. هرگاه خبری از پیشقراولان شام به شما می‌رسد تمام شما درب خانه‌هایتان را می‌بندید و همانند سوسمار یا کفتار در خانه‌های خود پنهان می‌شوید، بخدا سوگند دلیل کسی است که شما او را یاری کنید و کسی که با یاری شما تیر اندازد با تیر بدون پیکان تیراندازی کرده است. بخدا سوگند، در میدانها تعداد شما زیاد است اما زیر پرچم جنگ انگشت شمار می‌شوید. من به کاری که شما را اصلاح کند و انحراف شما را بر طرف گرداند آگاهم ولی اصلاح شما را با فساد و تباه ساختن خود جایز نمی‌دانم.

خدا سر بزیرتان کناد، روز خوش نبینید، آنطور که باطل را می‌شناسید و از آن اطلاع دارید از حق

شجاعت و پارسایی ثروت است و پرهیز از گناه سپر است.

۹- «الآداب حلل مجددة و الفکر مرآة صافیة»؛ عادت‌های پسندیده زیورهایی تازه و نو هستند که کهنه نمی‌شوند و فکر آئینه‌ای پاک و صاف است.  
۱۰- «إذا أقبلت الدنيا علی أحد أعارته محاسن غیره و إذا أدبرت عنه سلپته محاسن نفسه»؛ هرگاه دنیا به کسی روی آورد امتیازات و محاسن دیگران را هم برای او به عاریه می‌آورد و آنگاه که به او پشت کند امتیازات و خوبیهایش را هم از او می‌گیرد.

۱۱- «ما أضمر احد شیئاً الا ظهر فی فلتات لسانه و صفحات و جهه»؛ هر کس مطلبی را در دل پنهان داشته باشد در لابلای سخنان و رنگ رخسارش آشکار می‌گردد.

۱۲- «لاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرراً»؛ برده مردم نباش حالانکه خدا ترا آزاد آفریده است.  
۱۳- «ایاک و الاتکال علی المنی فأنها بضائع النوکی»؛ از اتکای بر آرزوها پرهیز زیرا تکیه بر آرزوها سرمایه احمق است.

۱۴- «الا أنبئکم بالعالَم کل العالم؟ من لم یزین لعباد الله معاصی الله، و لم یؤمنهم مکره و لم یؤیس من روجه»؛ عالم به تمام معنی کسی است که معاصی خدا را در چشم مردم زیبا نماید و آنان را از کیفر خدا ایمن و از رحمت او مأیوس نگرداند.

۱۵- «الناس نیام اذا ماتوا انتبهوا»؛ مردم در خوابند، هرگاه بمیرند بیدار می‌شوند.

۱۶- «الناس اعداء ما جهلوا»؛ مردم دشمن آن چیزی هستند که نمی‌دانند.

۱۷- «الناس بزمانهم أشبه متهم بآبائهم»؛ شباهت مردم به زمانه بیش از شباهتشان به پدرانشان است.

۱۸- «المرء مخبوء تحت لسانه»؛ هر شخص در زیر زبانش مخفی است.

۱۹- «ما هلك امرأ عرف قدره»؛ کسی که قدر و ارزش خود را بشناسد نابود نمی‌گردد.

۲۰- «رُبَّ کلمة سلبت نعمة»؛ چه بسا سخنی که نعمتی را از کف بیرون می‌کند.



آگاهی ندارید، و آنطوری که حق را ریشه کن می‌کنید، باطل را نابود نمی‌سازید.<sup>(۱)</sup> ای مردم عراق شما همانند زن حامله‌ای هستید که پس از اینکه زحمت حمل را تحمل می‌کند و وضع حملش نزدیک می‌شود بچه را سقط می‌کند و شوهرش می‌میرد و مدتها بدون شوهر می‌ماند و بیگانه‌ترین افراد میراثش را می‌برند.<sup>(۲)</sup>

بخدایی که جانم در قبضه اوست سوگند، اینها بر شما پیروز می‌شوند نه به این خاطر که به حق نزدیکترند، بلکه بخاطر اینکه در باطل خود سرعت عمل و جدیت دارند و شما در طریق حق خود سستی می‌کنید. ملتها از ستم زمامداران خود ترس دارند اما من از ظلم زیر دستان و شیعیانم رنج می‌برم.

شما را برای جهاد دعوت می‌کنم، حرکت نمی‌کنید؛ مطالب را بگوش شما می‌خوانم گوش نمی‌دهید؛ مخفی و آشکارا، شما را در جریان حوادث می‌گذارم پاسخ نمی‌دهید؛ پندتان می‌دهم نمی‌پذیرید.

در جمع حاضرید اما همانند غائبان خاصیت ندارید؛ اظهار بندگی می‌کنید اما همانند اربابان ابراز وجود می‌نمائید؛ مطالب آموزنده می‌گویم، بی‌اعتنائی می‌کنید؛ شما را با مطالب عمیق موعظه می‌کنم گوش نمی‌دهید؛ شما را برای جهاد با باغیان تحریک می‌کنم هنوز حرفم به آخر نرسیده که مانند قوم سبا پراکنده می‌شوید، به انجمنهای خود باز می‌گردید و یکدیگر را با پندهای خود گول می‌زنید. صبح شما را منظم می‌کنم و به جنگ می‌فرستم شب باز گشته‌اید، شما مانند کمان هستید، کمانگر خسته شده و عاجز گردیده و کمان هم در فشار قرار گرفته است.

بخدا سوگند دوست دارم معاویه با من داد و ستد کند مانند داد و ستد صراف، ده نفر از شماها را از من بگیرد و یکی از طرفداران خود را به من بدهد.<sup>(۳)</sup>

خدا ذیلتان کند، شما مثل شترهای بی‌ساریان هستید، از یک طرف که شما را جمع می‌کنند از طرف دیگر متفرق می‌شوید. بدون تردید در

صورتیکه قلبهای شما با هم نزدیک نیست، جمعیت و زیادی شما فائده و نتیجه‌ای ندارد. می‌خواهم به وسیله شما درد جامعه را مداوا کنم، حال آنکه شما خود درد و بیماری من هستید؛ کار من مانند کسی است که می‌خواهد با خار، خاری را که در پایش فرو رفته بیرون آورد و در صورتیکه می‌داند این خار نیز کار همان خار را با من خواهد کرد.

می‌بینم که مانند سوسمارها ازدحام کرده و به هم چسبیده‌اید، اما نه حقی را پس می‌گیرید، و نه از ظلم جلوگیری می‌کنید. آخ! چه سختی‌ها که از دست شما کشیدم. نه موقع نیاز مردان آزاده و راستگویی هستید و نه در موقع مشورت افراد مورد اعتمادی.

از همراهی با شما بیزارم، بخدا سوگند دوست دارم خدا میان من و شما جدایی افکند و مرا به کسانی ملحق گرداند که رأی آنان صحیح و عقل آنان خوب و گفتارشان حق بود.<sup>(۴)</sup>

ای مردمی که بدن‌هایتان جمع و خواسته‌ها و آرزوهایتان مختلف است؛ سخنان شما سنگهای سخت را نرم می‌گرداند، اما کردارتان سبب طمع دشمن در شما می‌گردد؛ دعوت کسی که شما را دعوت کرد پذیرفته نشد؛ کسی که برای شما زحمت کشید راحت نیافت. با مطالب گمراه کننده عذر می‌آورید؛ روش شما همانند بدهکاری است که برای پرداخت بدهیش عذر می‌آورد. اگر از خانه خود دفاع نکنید از خانه چه کسی دفاع می‌کنید؛ اگر همراه من جنگ نکنید در رکاب کدام امام پس از من خواهید جنگید. فریب خورده کسی است که گول شما را بخورد، کسی که با پشتیبانی شما پیروز شود بخدا سوگند با تیر بی‌اثر پیروز گشته است.<sup>(۵)</sup>

(ادامه دارد)



■ از همراهی با شما بیزارم، بخدا سوگند دوست دارم خدا میان من و شما جدایی افکند و مرا به کسانی ملحق گرداند که رأی آنان صحیح و عقل آنان خوب و گفتارشان حق بود.

۱- نهج البلاغه، خطبه: ۶۸.

۲- همان منبع، خطبه: ۷۰ - ۳- نهج البلاغه، خطبه: ۹۶.

۴- اقتباس از خطبه‌های نهج البلاغه، با استفاده از ترجمه مصطفی زمانی.

۵- نهج البلاغه، خطبه: ۲۹.